



ویژه نامه

فقیه بصیر



ویرانه نامه فقیه بصیر ۸

آیت الله شهید

رحمته

سید مصطفی خمینی

معاونت سیاسی - اجتماعی

مرکز بسیج اساتید، مدیران و نخبگان حوزه علمیه قم

صاحب امتیاز: مرکز بسیج اساتید، مدیران و نخبگان حوزه علمیه قم
مدیر مسئول: سید حسن اکبری
سر دبیر: علی اصغر مجتهدزاده
هیئت تحریریه: مجتهدزاده، بهرمن، مداحی
طرح جلد: م. مداحی
تاریخ: آبان ۱۴۰۱

✓ هرگونه انتشار و واگذاری این جزوه به دیگران، بلا مانع است.

✓ تهیه شده در معاونت سیاسی - اجتماعی مرکز بسیج اساتید، مدیران و نخبگان حوزه علمیه قم



مرکز بسیج اساتید، مدیران و نخبگان حوزه علمیه قم

راه‌های ارتباطی ما:

نشانی پستی: قم، میدان جانبازان، خیابان شهیدان فاطمی، کوچه ۴، مرکز بسیج اساتید، مدیران و نخبگان حوزه علمیه قم.

تلفن تماس: ۰۲۵۳۱۱۲۰۹۱۱ - ۰۹۹۰۳۳۴۱۳۱۰

جهت عضویت در کانال‌های فضای مجازی در

پیام‌رسان‌های ایرانی: ۰۹۹۰۳۳۴۱۳۱۰



فهرست مطالب

- مقدمه ۴
- زندگینامه و تحصیلات ۴
- شخصیت علمی و اخلاقی شهید حاج مصطفی ۵
- فعالیت‌های سیاسی ۷
- دوران مبارزه ۷
- تبعید به ترکیه ۹
- تبعید به عراق و نجف اشرف ۱۱
- مرگ مشکوک یا شهادت؟! ۱۴
- بازتاب شهادت ۱۶
- دست نوشته‌ای از شهید مصطفی خمینی رحمته الله علیه ۱۷
- شهید مصطفی خمینی رحمته الله علیه از نگاه دیگران ۱۹
- آثار و تألیفات ۲۳

مقدمه

در زمان طاغوت، خیلی‌ها در داخل کشور ایران، کارهای بزرگ و مخلصانه و فداکارانه‌ای انجام می‌دادند، اما اگر مرکزیت امام نبود، هیچ‌کدام از این کارها نبود؛ همه این تلاش‌ها شکست می‌خورد و همه این انسانها از نفس می‌افتادند. آن کسی که از نفس نمی‌افتاد، امام خمینی رضوان‌الله‌علیه بود و دیگران هم به نیروی او قوت و نیرو می‌گرفتند. در همه قضایای مهم، حضور امام و در کنار او حضور فعال شهید حاج آقا سید مصطفی خمینی محسوس بود. مرحوم آقای حاج آقا مصطفی (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه)، دو جا حقیقتاً درخشید. یکی در اول نهضت - در پانزدهم خرداد - یکی هم در آغاز حرکت عمومی مردم^۱.

بی‌تردید روحانیون همیشه با عزم راسخ، تحول بنیادین در دولت و جامعه را طلب می‌کردند که حتی در این راستا به جهت مبارزه قاطع با رژیم پهلوی برای تحقق ارزش‌های اسلامی زندانی، شکنجه و به شهادت رسیدند.

انقلاب اسلامی ایران در حقیقت یک موهبت الهی برای همه جهانیان است. اگر اراده روحانیون انقلابی مانند شهید حاج مصطفی خمینی و رهبری امام خمینی رضوان‌الله‌تعالی‌علیه برای ایجاد و پیدایش انقلاب نبود، در این دوره از تاریخ قطعاً انقلاب تحقق پیدا نمی‌کرد و امیدواریم که ما همواره حافظان خوب و ارزشمند امام و شهدای والامقام باشیم.

زندگینامه و تحصیلات

شهید سید مصطفی خمینی رحمته در ماه رجب سال ۱۳۴۹ هجری قمری، مصادف با آذرماه سال ۱۳۰۹ هجری شمسی، در یکی از محلات قدیمی قم به نام الوندیه به دنیا آمد. او نخستین فرزند امام خمینی رحمته، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، بود. پس از اتمام

دبستان و به تشویق پدر به تحصیل علوم اسلامی پرداخت. ایشان بعد از خواندن کتب جامع المقدمات، سیوطی، مغنی، مختصر المعانی و مطول، یک دوره اصول و فقه را شروع کرده و با خواندن کتاب‌های معالم الاصول، رسائل شیخ انصاری، شرح لمعه، مکاسب شیخ انصاری و کفایه الاصول آخوند خراسانی بعد از هفت سال دوری، سطح را به پایان رسانید.^۱

از اساتید او در این دوران می‌توان از شیخ جعفر سبحانی و آیات حائری، صدوقی، سلطانی و شیخ عبدالجواد اصفهانی نام برد.^۲ سید مصطفی خمینی در ۱۷ سالگی معمم شد و در سن بیست و یک سالگی در حوزه فقه حضرت آیت العظمی بروجردی شرکت کرد و آنگاه خارج اصول را در خدمت پدرش، امام خمینی رحمته شروع کرد^۳ و بعد از مدتی جامع معقول و منقول شد.^۴

شخصیت علمی و اخلاقی شهید حاج مصطفی

سید مصطفی در کنار مبارزات خود، در سال ۱۳۴۶ تدریس خارج اصول را در نجف آغاز کرد. او با تسلطی که با علوم عقلی و نقلی داشت، در حوزه نجف تأثیر گذار بود.

ایشان گرچه در حوزه نجف به عنوان یک مجتهد مسلم شناخته شده بود، ولی با این موفقیت علمی، هرگز استادان خود را فراموش نکرد و همیشه در مقابل آنان روحیه شاگردی خود را حفظ کرد. هنگامی که استادش از اتاق خارج می‌شد، سید مصطفی کفش‌های استاد را سریعاً جفت می‌کرد و مکرر دست استادان خویش را می‌بوسید.^۵

۱- حسینیان، ۱۳۷۹، صص ۱۱ و ۱۴

۲- همان، ص ۱۵

۳- روحانی، بی تا، ص ۵

۴- حسینیان، ۱۳۷۹، ص ۴۰

۵- خاطرات آیت الله موسوی بجنوردی، منقول از کمیته علمی کنگره شهید سید مصطفی

خمینی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۱۷۳

از دیگر خصوصیات حاج سید مصطفی می‌توان به شب‌زنده‌داری، عشق به اهل بیت (علیهم‌السلام) و دائم‌الذکر بودن ایشان اشاره کرد. همسرش می‌گوید: «همیشه شب‌ها بیدار و تا صبح به دعا و نیایش مشغول بود»^۱. در مورد علاقه ایشان به امام حسین (علیه‌السلام)، حجت الاسلام سجادی می‌گوید: «سالی چند بار مسافت ۱۰۰ کیلومتری نجف تا کربلا را با پای پیاده می‌پیمود تا نهایت عشق خود را به آموزگار شهادت اعلام کند»^۲.

حاج آقا مصطفی بیشتر از هر جهادی مبارزه با شیطان درونی را لازم می‌دید و کسب تقوا و پرهیز از تبعیت هوای نفس را بزرگترین جهاد و بنا به فرموده پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) «جهاد اکبر» می‌دانست و در این راه به حد اعلای مبارزه رسید و خود را به گروه سالکان الی‌الله و اولیای پاک الهی رساند.

او در سیر و سلوک به مقامی رسیده بود که در دستورالعملی اخلاقی می‌گوید:

«بدان ای برادرم، دوست عزیز و بزرگوارم، پس از فهم آن چه در این سطور آمد و بعد از آن که به علوم عادی آگاه گردیدی و رسوم ظاهری را برپا داشتی، باید تلاش بی‌امان را برای رسیدن به برترین مقصد، والاترین هدف، شیرین‌ترین مسلک و دلپذیرترین شیوه پیشه کنی و آن «جان جهان شدن» است. رسیدن به این مقام والا و بلند، جز با دور کردن پستی‌ها، تیرگی‌ها و حجاب‌های مادی و مدت و جلب صفات کمال و برتر، از راه عمل به دستور شرع انور و حرکت بر مقتضای ایمان و کوشش در اجرای فرامین الهی و احکام عملی، بدنی و قلبی نشاید.

... شگفتا! آیا وجدانت اجازه می‌دهد، با توان و قدرتی که او ارزانی داشته، برخوان گسترده‌اش او را، نافرمانی و سرکشی کنی؟ آیا می‌پسندی توان، اراده و حکمت او را در آن چه ناروا شمرده

۱- خاطرات خانم معصومه حائری، همان، ج ۲، ص ۴۰۱

۲- از خاطرات حجت الاسلام سجادی، همان، ج ۱، ص ۳۶۳

بکارگیری و بی‌حرمتی روا داری؟ پناه می‌بریم به
خدای دانای شنوا از شیطان رانده شده از درگاه خدا.

... جهاد اکبر را پیشه کن، تا الگویی حق‌نما گردی و مشمول پاداش
شهیدان، که در سخنان معصومین آمده است: ... بارالها! طعم عفو،
شیرینی آمرزش و رحمت خود را بر ما بچشان، تا از سیاهی‌های
ذلت بیرون بیاییم و لباس کفر و نفاق را از تن بدریم. به تو شکوه
می‌بریم که تو ملجأ هر شکایتی».

این شهید عزیز، روح بلند و عاطفی داشت و همیشه با دیگران
صمیمی و مهربان برخورد می‌کرد، از بیماران بی‌بضاعت و کم
درآمد در خانه محقر و پرمهر و محبت آن‌ها عیادت می‌کرد و با
کمال تواضع در کنارشان نشست و وارد صحبت می‌گردید و گاهی
برای شاد کردن آنان هدایایی با خود می‌برد.

فعالیت‌های سیاسی

شهید مصطفی در مکتبی بزرگ شده بود که سیاست با آن عجین
شده و عین دیانت بود، لذا از همان روزهای اول که پدر بزرگوارش
امام خمینی رحمته در این مسیر قدم نهاد با کمال جدیت و تلاش
حرکت کرد.

فعالیت‌های ایشان به حدی بود که ساواک درباره وی آورده
است: «در شهرستان قم پسر آیت‌الله خمینی که معمم می‌باشد،
به جای وی نشسته و دستورهای او را به مورد اجرا می‌گذارد و
اعلامیه‌هایی تهیه و برای روحانیون می‌فرستد...»^۱.

دوران مبارزه

به دنبال فوت آیت‌الله العظمی بروجردی، محمدرضا شاه، لایحه
انجمن‌های ایالتی و ولایتی را به تصویب رساند که در ضمن آن
قید «قسم به قرآن در مجلس، به قسم به یکی از کتاب‌های

«آسمانی» تغییر یافته بود. این عمل موجب اعتراض علماء و مراجع خصوصاً امام خمینی رضوان الله تعالی علیه شد. امام در ۱۳ خرداد ۱۳۴۲، سخنان تندی علیه شاه ایراد فرمودند که منجر به دستگیری ایشان در بامداد ۱۵ خرداد شد.

دستگیری امام، اعتراضات فراوانی را در پی داشت و جمعیت انبوهی از مردم در تظاهرات طرفداری از امام در روز ۱۵ خرداد شرکت نموده و با شعارهای «یا مرگ یا خمینی» به حمایت از مرجع تقلید خود پرداختند. رژیم در طی یک عملیات خونین، قیام مردم را سرکوب کرده و فعالیت‌ها موقتاً خاموش شد.

آیت الله سیدمصطفی خمینی در آغاز نهضت امام، نقش و مسئولیت مضاعفی داشت؛ زیرا او علاوه بر شرکت در مبارزه، فرزند رهبر نهضت بود. ایشان بلافاصله بعد از شروع نهضت، شخصاً مدیریت چاپ و تکثیر بیانیه‌ها و پیام‌های امام خمینی رضوان الله تعالی علیه را به عهده گرفت.

حجت الاسلام دُرچه‌ای در این باره می‌گوید: «... در منزلی در جنب مدرسه حجتیه به راهنمایی ایشان (حاج آقا مصطفی)، با جمعی از دوستان طلبه به طور خصوصی و مخفیانه در تنظیم متن سخنرانی‌های امام کار می‌شد... حاج آقا مصطفی چون یک مدیر مدبر و یا یک فرمانده عملیاتی، گاهی شجاعانه می‌نشست و گاهی اطراف دوستان طلبه دور می‌زد و راهنمایی می‌کرد^۱

بعد از دستگیری امام، سید مصطفی، رهبری تظاهرات ۱۵ خرداد را در دست داشت و سعی می‌کرد هم علماء را به اعلام بیزاری از رژیم شاه تشویق کند و هم با کنترل احساسات، خونی ریخته نشود^۲. بعد از سرکوب قیام خونین پانزده خرداد، ایشان سه اصل مهم را برای ادامه مبارزه در پیش گرفت:

۱- خاطرات حجت الاسلام درچه‌ای، منقول از کمیته علمی کنگره شهید مصطفی خمینی،

ج ۲، ۱۳۷۶، ص ۲۲۰

۲- حسینیان، ۱۳۷۹، ص ۴۱



• باز نگه داشتن بیت رهبر دستگیر شده نهضت؛

• تلاش برای نگه داشتن مراجع و علماء در صحنه مبارزه؛

• تلاش برای آزادی حضرت امام خمینی رحمته الله؛

در مرداد ماه ۱۳۴۲ که ساواک امام را از زندان به منزل خصوصی منتقل کرد، سید مصطفی موفق شد که مستقیماً با امام در رابطه باشد و هنگامی که امام در فروردین ماه ۱۳۴۳ بعد از ۱۰ ماه حبس و حصر به قم بازگردانده شدند، ایشان همواره همراه و مشاور امام بودند.^۱

تبعید به ترکیه

در سال ۱۳۴۲ موقعی که امام در «قیطریه» تحت نظر بود مصطفی تنها رابط امام با دیگر روحانیون و مبارزان به شمار می‌آمد و فرمان‌های امام را به دیگران می‌رساند، در همین رابطه ساواک می‌نویسد: «طبق اطلاع واصله اخیراً پسر آیت‌الله خمینی با افراد متنفذ و مخالف دولت در تماس می‌باشد، چون مشارالیه می‌تواند با پدرش ملاقات نماید از این لحاظ رابط بین پدرش و افراد مخالف دولت است».

بعد از تصویب لایحه کاپیتولاسیون در ۱۳۴۳، امام به محض اطلاع از آن اعلام کرد که در آن زمینه سخnerانی خواهد کرد. مقامات دولتی به محض اینکه از تصمیم امام باخبر شدند در پی رایزنی برآمدند تا امام را منصرف کنند. لذا به قم آمدند و درخواست ملاقات با امام را داشتند که امام آنها را به حضور نپذیرفت و لذا چاره را در آن یافتند که با سید مصطفی دیدار کنند.^۲

در این دیدار مأمور ساواک سعی می‌کرد با آوردن استدلال‌هایی از قبیل این که «هر گونه حمله به آمریکا به مراتب خطرناک‌تر از

۱- روحانی، بی‌تا، ص ۱۱

۲- رجبی، محمدحسن؛ زندگینامه سیاسی امام خمینی، تهران، کتابخانه ملی جمهوری

اسلامی ایران، ۱۳۷۰، ص ۲۹۹

حمله به شخص اول مملکت است و امام نباید در این مورد سخnerانی بکند»^۱ در ایشان نفوذ کنند. ولی سید مصطفی با قاطعیت پاسخ دادند: «آیت الله خمینی به وظیفه خودش هر جور صلاح بدانند عمل می کنند، این گونه حرف ها هم نمی تواند ایشان را در اجرای وظیفه و رسالتی که به عهده دارند به تجدیدنظر وادارند».

امام خمینی رحمته در روز چهارم آبان ۱۳۴۳ علیه لایحه کاپیتولاسیون سخnerانی کردند. رژیم شاه که دچار وحشت شده بود. در ۱۳ آبان همان سال امام را شبانه دستگیر و به ترکیه تبعید کرد. حاج مصطفی سخت بر آشفت و به خیابان آمد و با سیل خروشان مردم قم به طرف بیوت آیات عظام راه افتاد و همصدا با مردم قم، با فریاد اعتراض خویش، جَوْر عب و وحشت را شکست و از مراجع وقت خواستار اقدام برای آزادی امام شد.

ساواک که از سابقه مبارزاتی و رهبری حاج مصطفی در ۱۵ خرداد ۴۲ خبر داشت دستور جلب ایشان را به شهر بانی قم صادر کرد. مأموران زمانی که حاج آقا مصطفی در خانه مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته مشغول صحبت با ایشان بود، به آن جایورش بردند و ایشان را دستگیر کردند و مدت ۵۷ روز در زندان قزل قلعه و در سلول انفرادی زندانی کردند. ایشان مدت ۹ روز تحت بازجویی بود و در پاسخ به این سؤال ساواک که، انگیزه امام از سخnerانی بر ضد کاپیتولاسیون چه بوده است؟ نوشت: «این یک مسأله ای است که تحمیل بر ملت شده است و تقریباً حکم حیثیت فروشی، آزادی فروشی و شخصیت فروشی است».

حاج سید مصطفی در زندان با اخلاق اسلامی خود برای سایر زندانیان الگویی شد و هم بندهای خود را متأثر از اخلاق خود کرد. داریوش فروهر در این باره می گوید: «... با اینکه در سنین جوانی بودند، بسیار شخصیت گیری داشتند. با همه برخوردی

بسیار جذب کننده داشتند»^۱

مأمورین ساواک در زندان، رفتن به ترکیه را به وی پیشنهاد می‌کنند که حاج آقا مصطفی می‌پذیرد. آنگاه به قم می‌رود و بعد از زیارت حضرت معصومه علیها السلام و مشاوره با علماء از رفتن به ترکیه انصراف می‌دهند.^۲

در ۱۳ دیماه ۴۳ که تنها پنج روز از آزادی‌اش می‌گذشت به دنبال استقبال چشمگیر مردم از ایشان، مأموران رژیم به خانه او در قم حمله کردند و بار دیگر حاج آقا مصطفی را دستگیر و به تهران اعزام می‌کنند. این یورش وحشیانه موجب ترس همسر حاج آقا مصطفی و سقط جنین او می‌شود.

بعد از آن ساواک او را تحت فشار و تهدید قرار می‌دهد و چون او به تهدید ساواک توجه نمی‌کند، توسط نیروهای امنیتی دستگیر و پس از یک شب اقامت در باشگاه نخست وزیری، با یک فروند هواپیمای نظامی به ترکیه تبعید می‌شود.^۳ و از همان جا با ارسال نامه‌هایی به مادر و همسر خود آنان را به صبر و بردباری سفارش می‌کند.

تبعید به عراق و نجف اشرف

حاج سید مصطفی در ترکیه نزد پدر به بورس رفت و عهده دار امور شخصی معظم له شد. در ترکیه پدر و پسر تحت نظارت شدید مأمورین دولتی بودند چون طبق قوانین ترکیه پوشیدن لباس روحانی ممنوع بود، به ناچار از پالتو استفاده می‌شد. سید مصطفی در آنجا هم از خدمت امام استفاده‌های شایان علمی کرد. او که در این زمان از مجتهدین مسلم حوزه قم بود با پدر در مسائل مختلف دینی بحث می‌کرد تا مقام علمی خود را

۱- خاطرات داریوش فروهر به نقل از کمیته علمی کنگره شهید مصطفی خمینی ج ۲،

۱۳۷۶، ص ۳۶۹

۲- خاطرات آیت الله خزعلی، ۱۳۸۲، ص ۱۲۴

۳- حسینیان، ۱۳۷۹، صص ۶۲ و ۶۳

مستحکم‌تر و استوارتر گرداند.

سرانجام رژیم شاه تحت فشار دولت ترکیه و مردم ایران، تصمیم به تبعید امام از ترکیه به عراق گرفت. شاید می‌خواست با تبعید امام به کشور مرجع خیز عراق، نقش مرجعیت ایشان را در بین سایر مراجع محو کند.

در روز ۱۳ مهرماه ۱۳۴۴ امام به همراه پسرش سیدمصطفی به عراق می‌روند و در کاظمین و سامرا و کربلا با استقبال گسترده مردم، علماء و روحانیون قرار می‌گیرند و سپس به نجف رفته و در آنجا اقامت می‌گزینند.

در نجف، اهل و عیال پدر و پسر نیز از ایران به آن‌ها می‌پیوندند و از این پس پدر و پسر در دو خانه مجزا ولی نزدیک به هم زندگی می‌کنند. خانه آقا مصطفی در طول ۱۳ سال تبعید رهبر نهضت، مرکز مهمترین تصمیمات تاریخی بود.

امام خمینی رضوان الله علیه با ورود به نجف فعالیت‌های سیاسی خود را که در زمان تبعیدشان در ترکیه (به خاطر فضای حاکم بر کشور ترکیه)، فرصت چندانی برای عملیاتی کردن آنها نداشت، از سر گرفت. در این جا سید مصطفی یکی از با اهمیت‌ترین و سخت‌ترین نقش‌هایشان را در ایجاد برقراری رابطه با مبارزان علیه حکومت پهلوی در سطوح مختلف بر عهده گرفت. اقدام برای نشر افکار انقلابی و اندیشه‌های امام از طریق توزیع رساله عملیه، اعلامیه‌ها، پیام‌ها، نامه‌ها و نشر سخنان امام در این نامه‌ها و... همه از مواردی بود که تحت نظر سید مصطفی انجام می‌گرفت.

آیت الله مصطفی خمینی رحمته الله در نجف در استمرار مبارزه و ارسال پیام‌ها و اعلامیه‌های امام به ایران و رساندن خبر مسائلی که در ایران اتفاق می‌افتاد، و امام باید از آن آگاه می‌شدند، نقش موثری داشت.

یکی از طرح‌های شهید بزرگوار که برای حفاظت جان امام که رژیم‌های ایران و عراق از ایشان ناراضی بودند، این بود که باید عده‌ای از طلاب و شاگردان روحانی حضرت امام آموزش نظامی ببینند و حفاظت جان امام بر عهده خود شاگردان حضرت امام باشد که در همین رابطه تعداد زیادی از یاران امام در نجف و لبنان؛ دوره‌های نظامی دیده و از سال ۱۳۵۵ ش. به طور کامل حفاظت جان امام و الامقام را بر عهده گرفتند.

حاج آقا مصطفی در عراق نیز از مبارزه دست نکشید و به دنبال اوج‌گیری نهضت رهایی بخش فلسطین، تلاش فوق‌العاده به عمل آورد که برادران روحانی خارج از کشور به پایگاه‌های فلسطین بروند و در آن جا دوره ببینند، خود ایشان هم در مسائل نظامی کار کرده بودند و حتی با اسلحه‌های سنگین هم دوره دیده بودند... اصولاً ایشان عنایت خاصی به مبارزه مسلحانه داشتند و به آیه شریفه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...» تمسک می‌جست و از این که مسلمانان چرا آموزش نظامی ندارند و تعلیمات نظامی نمی‌بینند اظهار تأسف و تأثر می‌کردند.

فعالیت‌های آن شهید سبب شد که در ۲۱ خرداد ۱۳۴۸ ش، رئیس جمهور وقت عراق (حسن البکر) به او هشدار داد که اگر مردم را بر ضد این رژیم تحریک کنید و با مخالفان رژیم عراق روابط داشته باشید ناچار تصمیمی درباره آنان می‌گیریم که موجب ناراحتی پدرتان شود و جالب این که همین تهدید را سپهبد نصیری در سال ۱۳۴۲ ش کرده بود.^۱

در اسناد ساواک به کرات آمده که سیدمصطفی خمینی برای هماهنگی بین مبارزان خارج از ایران تلاش می‌کند. یکی از کانون‌های مبارزه لبنان بود که در آنجا امام موسی صدر رحمته الله کار شیعیان را سامان داده بود.



آیت‌الله مصطفی خمینی رحمته برای استفاده از امکانات شیعیان لبنان، سفری به لبنان داشت که مورد استقبال گرم و صمیمانه سید موسی صدر قرار گرفت.^۱ همین فعالیت‌ها بود که ساواک را وا می‌داشت تا به شدت ایشان را تحت نظر داشته باشد. چنان که وقتی ایشان قصد تشریف به حج می‌کنند، ساواک به نیروهای خود در عربستان دستور مراقبت وی را صادر کرده و روحانیونی را که در مکه با ایشان در تماس بودند دستگیر می‌کند.^۲

حاج آقا مصطفی از این تاریخ تا زمان شهادت همواره در کنار امام و در نجف بود و هر روز که از اقامت آنان در نجف می‌گذشت، بر شوکت و ابهت و همچنین ارزش علمی و اجتماعی آنان افزوده می‌شد و مردم ایران آنان را بیشتر و بهتر می‌شناختند و مبارزه جدی‌تر می‌شد.

او مهمترین وظیفه خود را در حفظ امام می‌دانست و همواره می‌کوشید تا پدرش را در مقابل دشمنی‌ها و توطئه‌های گوناگون داخلی و خارجی حفظ کند. ایشان در مدت حضورش در نجف با کانون‌ها و گروه‌های مبارز داخلی و خارجی ارتباط داشت و رابط آنان با امام بود. وی در این راستا وظیفه خود را به نحو احسن انجام داد.

مرگ مشکوک یا شهادت؟!

ترس در حکومت ایران و عراق از فعالیت‌های شهید حاج آقا مصطفی عاقبت باعث شد که تهدیدشان را عملی کنند و تصمیمی را که گفته بودند به انجام برسانند و شب یکشنبه اول آبان ۱۳۵۶ ش. آقا سید مصطفی را در حالی که ۴۷ بهار از عمرش می‌گذشت به طرز مشکوکی مسموم و به شهادت رساندند.

۱- حسینیان، ۱۳۷۹، ص ۹۶

۲- واحد پژوهش‌های تاریخی بنیاد انقلاب اسلامی و نشر ذره، ۱۳۷۶، صص ۳۶-۱۳۸



مرحوم سید احمد خمینی درباره شهادت وی می‌گوید: «آنچه می‌توانم بگویم و شکی در آن ندارم این که ایشان را شهید کردند، زیرا علامتی که در زیر پوست بدن ایشان روی سینه ایشان، روی سر و دست و پا و صورت ایشان و همچنین لکه‌های بزرگ حکایت از مسمومیت شدید می‌کرد و من شکی ندارم که او را مسموم کردند، اما چگونه این کار صورت گرفته نمی‌دانم ولی همین قدر می‌توانم بگویم که ایشان چند ساعت قبل از شهادت در مجلس فاتحه‌ای شرکت کردند که در آنجا بعضی از ایادی رژیم پهلوی دست اندر کار دادن چای و قهوه مجلس بوده‌اند».

پزشکان معتقد بودند که آثاری از سکنه مغزی یا قلبی در وی مشاهده نمی‌شود و علائم بدنی ایشان از مسمومیت خبر می‌دهد و برای روشن شدن واقعیت، کالبد شکافی لازم است. امام خمینی با این استدلال که این عمل باعث خواهد شد تا رژیم عراق عده‌ای از دوستان را به بهانه رفت و آمد به بیت دستگیر کند با کالبد شکافی مخالفت کردند^۱ و اجازه دفن دادند.

شهید سید مصطفی را با آب فرات، غسل دادند و در محل خیمه گاه کفن کردند و پس از طواف در حرم حضرت سیدالشهداء و حضرت عباس علیه السلام به نجف اشرف بازگرداندند. روز دوشنبه دوم آبان پیکر شهید به طرف صحن مطهر علوی، تشییع شده و نماز میت را آیت‌الله خویی رضوان‌الله علیه به جای آوردند و در مقبره علامه حلی در جوار مزار حضرت امام علی علیه السلام به خاک سپرده شد.

امام خمینی رحمته الله در مسجد بهبهانی حضور یافت و پس از مکث کوتاه و خواندن فاتحه با گامی استوار و قامتی آراسته به خانه برگشت و در مراسم تشییع و خاکسپاری شرکت نکرد.

بازتاب شهادت

مرگ مشکوک آیت‌الله مصطفی خمینی رضوان‌الله علیه در مهاجرت به حق، «شهادت» لقب گرفت. مرگی موج‌آفرین در تاریخ انقلاب اسلامی ایران که از آن باید به عنوان کانون زلزله‌های سیاسی تاریخ انقلاب یاد کرد. موج این مرگ در سال ۵۶ همه محاسبه‌ها و معادله‌ها را در ایران به هم ریخت و حضرت امام (قدس سره) از آن به عنوان یکی از الطاف خفیه الهی یاد کرد.^۱

مرگ ایشان مصادف با نیرنگ فضای باز سیاسی در ایران بود. مراسم اربعین سیدمصطفی رحمته در قم، طوفان عواطف مردم را آشکار ساخت. واکنش رژیم شاه در برابر شکوه این مراسم، خطای فاحشی بود که در انتشار مقاله‌ای اهانت‌آمیز به حضرت امام در روزنامه اطلاعات متجلی شد.

این دهن‌کجی به عواطف مردم، موجی از آتش قهر و خشم مردم را در قم به دنبال آورد و حادثه ۱۹ دی سال ۵۶ را در قم زمینه‌ساز شد. از این پس ایران شاهد انفجاری فزاینده از عواطف شد که هرگز در تاریخ نهضت‌ها سابقه نداشت. انفجار تبریز در اربعین قم، انفجار یزد در اربعین تبریز، انفجار جهرم و کشتار در قم در اربعین یزد....

رفته رفته بحران فراگیر شد. آن روز که خیابان‌های اصلی تهران شاهد راهپیمایی‌های میلیونی شد، همه دریافتند که موج انقلاب مهارشدنی نیست و در حقیقت مرگ غیر منتظره فرزند برومند رهبر انقلاب هرچند مردم ایران را عزادار ساخت ولی این اثر محسوس و مثبت را هم داشت که پس از سال‌ها خفتان و حالت رکود نهضت و سرکوبی ملت توسط رژیم، بار دیگر مردم فرصت و جرأت یافتند که نهضت را با همان شور و هیجان روزهای اول

از سر بگیرند.^۱ و همان طور که حوادث آینده نشان داد
سرانجام انقلاب به پیروزی رسید.^۲

دست نوشته‌ای از شهید آیت الله مصطفی خمینی رحمته الله علیه

بسم الله الرحمن الرحيم

اکنون که ایران زندان آزادگان، جوانان، بزرگمردان، خردسالان و تبدیل به حبس و تبدیل به جهنم برای همگان شده است. در این زمان که ایران مهد فحشا و منکری شده که عفت قلم شرم از بیان و گفتار آن دارد و مهدی برای تربیت دودمان پهلوی و رذل صفتان و این خاندان بی شرم و بی آبرو گشته است. در این عصر که ایران چون جزیره شناور به دست این و آن و شرق و غرب، چپ و راست در تلاطم است، در این وقت که وطن چون عروسکی در دست ببرخویان و درندگان می‌چرخد، ایرانی که مهد دلیران است و مقرر اسلام و شیعیان و خاصان از اولیاء خدا، اینک که ایران به کلی ویران و شمال و جنوب آن به دست استعمارگران دور و نزدیک تقسیم شده و این کشور اسلام پرور و مؤمن دوست، چون گویی پیش پای دشمنان انسانیت و ضد خلق و این خانواده از خدا بی خبر افتاده است، محتاج به حرکتی نوین و جانبازی‌هایی مبتنی بر یقین و محتاج فداکاری از هر جانب و هر سو و به هر کیفیت ممکن است.

ملت شریف ایران باید بهتر از پیش بداند که این زرق و برق و صورت سازی، دام جدید و گسترده‌ای است که به خاطر نیات شومی که استعمار در سر می‌پرورد، گسترده شده است. مردم بهتر از هر کسی می‌دانند که اقتصاد کشور چه نوسانی را طی می‌کند و ذخایر این ملک و ملت به دست چه کسانی و در کدام اسکله‌ای پهلوی می‌گیرد و در آینده‌ای نه چندان دور، چه خطرهای

۱- دوانی، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۵۱۹

۲- برگرفته از کتاب بارقه‌های بیداری؛ مجموعه مقالات پیرامون انقلاب اسلامی

خطیری در انتظار آنان است.

ملت شریف باید با برقراری یک حکومت عادلانه، پس از طرح و پی ریزی، راه‌های صعب و سخت‌تر را طی کنند و در جهت یک دولت عادلانه و گسترده که به خواست خدا بسیار نزدیک است، جنبش همه جانبه‌ای را آغاز نمایند، در این راه از هیچ کمک فکری و عملی به یکدیگر کوتاهی نکنند و خوب درک کنند که هیچ ملتی با سستی و خوش گذارنی و تن پروری، به آینده نوین نرسیده و نباید هم چنین انتظاری داشت. آنان باید از گذشته اسلام و گذشتگان خود پند گیرند و آنان را به رهبری برگزینند. این روزها که مردم از حرکت‌های این قاره و قاره آفریقا اطلاع دارند، باید آنچه را که برای پیشبرد مقاصد خود لازم می‌دانند به دست آورند. با گوشه‌گیری و لغت پردازی و تعیین مشی و توضیح و با کاغذ پاره‌هایی که به دست تاریخ سپرده می‌شوند، دیگر نمی‌توان کاری از پیش برد و عمل صحیحی انجام داد.

با تحزب، تشکل و ایجاد کتابخانه و انجمن‌ها و محفل‌های بزرگ و کوچک است که می‌توان یک شبکه سر تا سری ساخت و جوش و خروشی پر سر و سامان را به راه انداخت. اکنون زمان آن نیست که دست‌های خود را گره کنید و با شعار، عقده‌ها را باز نمایید. بگذارید این رنج‌ها و سختی‌ها متراکم شوند و آنگاه مشتها را به دهان دشمن (دودمان پهلوی) بزنید و جان این پلیدان را بگیرید و به این ملک و ملت جان نوین ببخشید.

گرچه نباید سکوت کرد و درنگ جایز نیست، چه به عنوان مبارزات داخل کشور، یا به عنوان انجمن‌های اسلامی خارج از کشور و یا با اعتصاب سراسری و به شکل روزه و یا به هر شکلی که ممکن باشد، صدای خود و فریاد آزادی خواهانه خویش را به مجامع بین‌المللی برسانید، گرچه آنان هم از جانبداری این پلید صفتان و احمقان و بی‌شرمان دور نیستند. این‌ها از پوشالی بودن خود چنان خوف و هراس دارند که با بانگ به اصطلاح

انسان دوستی و برای کسب یک یا چند روز فرصت بیشتر برای خون آشامی، به شکل دفاع از زندان و رنج زندانیان و خشم در برابر شکنجه گری، تظاهر به دفاع از مظلوم می کنند. اخیراً دوستان ایرانی مسلمان در اروپا و امریکا به خاطر آن که بانگ خود را به وسیله ای به مجامع برسانند، دست به اعتصاب زده اند و بحمدالله و المنه اکثراً با استقبال روبرو شده اند و چه بسا ممکن است که این حرکتهای مخلصانه، زیربنای جنبشی داخلی شود که در شرف تکوین است.

اصل و هدف، رسیدن به راه و روشی علی صفت و علی دوست و علی خواه است. دست به دست یکدیگر دهیم و این بنای ظلم و ستم را از بیخ و بن برکنیم. دست همه خلق های ستمکش را می بوییم و می بوسیم.

شهید مصطفی خمینی رحمته از نگاه دیگران

رهبر معظم انقلاب

- «... جزء ممتازترین کسانی بود که در حوزه های علمیه قم، نجف، مشهد و... وجود داشت. بنده ایشان را به عنوان یک چهره برجسته حوزه علمیه قم از سال ها قبل می شناختم.»^۱
- در حوزه های علمیه معمولاً رسیدن به اجتهاد هدف اصلی است؛ بنابراین فقه و اصول بیش از همه دروس مورد توجه قرار می گیرد. اما آیت الله مصطفی خمینی علاوه بر دروس اصلی به فلسفه نیز اهمیت می داد و خود از استادان فلسفه بود.
- مرحوم سید مصطفی خمینی (ره) یکی از شخصیت های بالقوه و بالفعل اسلام بود، روزی که ایشان شهید شدند در حدود سنین ۴۷-۴۸ سالگی بود و در آن سن جزء ممتازترین کسانی بود که در حوزه های علمیه قم، نجف، مشهد و... وجود داشت. ایشان

اگر نگوییم بهترین شاگرد ولی جزء بهترین شاگردان درس امام رضوان الله علیه بود و در عین حال، خود یک مدرس معروف بود و فلسفه و فقه درس می داد او به عنوان یک چهره برجسته در میان طلاب، فضلا و مدرسین حوزه معروف بود.

مرحوم حجت الاسلام سیداحمد خمینی رحمته در این باره چنین می گوید: «... در علم و فلسفه و ادبیات متبحر بود و مباحث فلسفه را به خوبی تجزیه و تحلیل می کرد»^۱

آیت الله العظمی محمد فاضل لنکرانی رحمته

«ایشان بر اثر ذکاوت خاص و استعداد ویژه، تلاش های پیگیر، پشت کار مخصوص و موفقیت خاص از نظر اساتید برجسته مخصوصاً والد ماجدش حضرت امام به مرتبه اجتهاد و تخصص در فقه، اصول، فلسفه و تفسیر رسید و شاگردانی تربیت نمود و کتبی تألیف کرد. از همان آغاز مبارزه روحانیت به رهبری امام، علیه رژیم طاغوت نقش ارزنده ای داشت، در برابر حوادث و رویدادهای گوناگون که در مقابله با مبارزین پیش می آمد، کاملاً مقاومت و ایستادگی نموده و با بینش کامل با آنان برخورد می کرد و در این رابطه گرفتار زندان و تبعید شد.»

آیت الله العظمی سیدرضا بهاء الدینی رحمته

«الحاج آقا مصطفی، آیت الله جامع بین المعقول و المنقول والسیاسیه الاسلامیه والدینیة فی شبابه و بلغ ما بلغ من نواذر زماننا، بل من نواذر الاعصار و الازمان، صادق القول مع حسن نیته، بصیر بالنفوس مع کمال الفطانه الدهی، و له سهم وافر لی الانقلاب وحوادثه، صابر فی المشکلات ونوائب الدهر.» او به راستی یکی از شخصیت های بزرگ، اما گمنام است. کسی نمی توانست او را خوب بشناسد و بشناساند من معتقدم که

هیچ کس به اندازه خود امام سلام الله علیه حاج آقا مصطفی را نمی شناخت.

آیت الله العظمی سبجانی حفظه الله

«یکی از مواهبی که ایشان داشت فکر زیبا بود. تواضع در برابر کسانی که حقی بر گردنش داشتند از صفات بارز ایشان بود. آثار علمی منتشر شده از ایشان نشانه عظمت و ذکاء فکری و ذوق ایشان در مسائل فلسفی، فقهی و اصولی است از تفسیرشان پیداست که ایشان بیشتر از نظر فلسفی و عرفانی به کتاب الله علاقمند بود.»

آیت الله محمد یزدی رحمته

«مرحوم آیت الله مصطفی خمینی، اخلاق خوبی داشت و جذاب بود هیچ جنبه منزجر کننده‌ای نداشت، نه در کردار و نه در گفتار. گاهی مزاح می کردند اما هرگز شوخی زننده نمی کردند، نمی گذاشت از کسی غیبت شود، امور سیاسی ایران را به خوبی بررسی می کرد و به حضرت امام هم گزارش می داد و به شکل‌های گوناگون با افراد ارتباط برقرار می کرد.»

آیت الله مؤمن رحمته

«او یکی از شاگردان فاضل امام بود وقتی خدمت ایشان منظومه حاج ملاهادی سبزواری را می خواندیم کاملاً معلوم بود که به مباحث سطح بالاتری در حد اسفار ملاصدرا هم تسلط داشت کلاس ایشان غیر از آموزش درس، آموزش اخلاقی هم برای ما در بر داشت، به طور کلی معنویتی که امام داشتند در ایشان نیز متبلور بود، اهل دنیا نبود و مانند حضرت امام به مادیات دل بستگی نداشت.»

آیت‌الله سیدحسن طاهری خرم آبادی رحمته

« حاج آقا مصطفی از فضیله‌ی درجه اول و مشهور حوزه علمیه قم بود که با علوم گوناگون از قبیل فقه، اصول، فلسفه، تفسیر، عرفان، رجال و مانند آن‌ها به خوبی آشنایی داشت هر چند تخصص اجتهادی ایشان در فقه و اصول بود.»

آیت‌الله سید عباس خاتم یزدی رحمته

«خصوصیاتی را که من در مرحوم آیت‌الله حاج آقا مصطفی دیدم تاکنون در کمتر کسی دیده‌ام، ایشان حافظه‌ای قوی و استعداد و نبوغ فوق العاده‌ای داشتند. از نظر علمی در فقه و اصول مجتهد کامل و مطلق در عرفان، اخلاق، فلسفه و رجال هم صاحب نظر بود البته اجتهاد ایشان و ارتقاء علمی آن مرحوم در نجف به حد والای خود رسید، از نظر اخلاقی، صاحب اخلاق پسندیده بود.»

آیت‌الله محمد هادی معرفت رحمته

«ایشان علاوه بر داشتن هوش و استعداد فوق العاده، فردی بود توانمند، اجتماعی، فوق العاده دوست داشتنی و اهل فضل و ادب، در درس با والد خود بحث می‌کردند در عین حال که در درس امام شرکت می‌کرد خود نیز خارج فقه و اصول تدریس می‌کرد و به تفسیر علاقه مند بود.»

آثار و تألیفات

سید مصطفی خمینی علاوه بر تدریس علوم اسلامی، دارای آثار و تألیفات زیادی نیز می باشد و آثار قلمی او نشانگر عظمت علمی و فکری آن مرحوم است. برخی از تألیفات ایشان عبارت است از:

- القواعد الحکمیة (حاشیه بر اسفار)
- کتاب البیع (دوره کامل مباحث استدلالی بیع در سه جلد)
- مکاسب محرمة (در دو جلد)
- مبحث اجاره
- مستند تحریر الوسیله
- تعلیق های بر عروه الوثقی
- تفسیر القرآن الکریم (در چهار جلد که ناتمام می باشد)
- تحریرات فی الاصول (از اول اصول تا استصحاب تعلیقی)
- شرح زندگانی ائمه معصومین علیهم السلام (تازندگان امام حسین علیه السلام)
- کتاب الاصول
- القواعد الرجالیة
- کتابی در مبحث نکاح
- حاشیه بر شرح «هدایه» ملا صدرا
- حاشیه بر «مبدأ و معاد» ملا صدرا
- حواشی بر «وسیله النجاة» سید ابوالحسن اصفهانی
- تطبیق هیئت جدید بر هیئت نجوم اسلامی
- حاشیه بر «خاتمه مستدرک».



از لحاظ عملی، آقای حاج آقا مصطفی یک انسان انصافاً ممتازی بود؛ این مهم است. پسر کسی مثل امام خمینی [بود] -خب ایشان در قم معروف بودند؛ چه قبل از مرجعیت، چه زمان مرجعیت- [اُمّا] یک ذرّه نشانه‌های آقازادگی در حاج آقا مصطفی نبود. امام در ایّام فاطمیّه چند روز یک روزه‌ای داشتند؛ حتّی در منزل امام و روزه‌ی امام [هم] انسان، حاج آقا مصطفی را نمیدید که بیاید خودش را بچسباند به امام؛ با اینکه عاشق امام بود. ... اُمّا دُور و بَر امام به صورت آقازادگی و مانند اینها، مطلقاً ایشان حرکتی نمی کرد. بعد که در سال ۴۱ مبارزات شروع شد، عصرها و سرشب، منزل امام رفت و آمد فراوانی میشد و ما همیشه و هر روز میدیدیم حاج آقا مصطفی دم در نشسته؛ این آدمی که کمتر آنجاها دیده میشد، از وقتی مبارزه شروع شد از سال ۴۱ در قضیّه‌ی انجمنها، مرحوم حاج آقا مصطفی هر روز آنجا حضور پیدا میکرد و می نشست؛ یعنی مَنِش، مَنِش مبارزاتی بود.

۱۳۹۶/۰۷/۳۰

